

- مقدمه
- ضرورت اصلاحات
- اصلاحات و حکومت اسلامی
- اصلاحات و آگاهی
- جهت اصلاحات
- دقت در اصلاحات
- اصلاحات در همگان
- نقش دولت و ملت
- اصلاحات فرهنگی
- اصلاحات اقتصادی
- اصلاحات سیاسی
- اصلاحات ساختاری
- زمینه‌ها و عوامل اصلاحات
- اصلاح طلبان راستین
- اسوه اصلاحات
- معیار اصلاحات

ضرورت اصلاحات

در این بخش از بیانات حضرت علی علیه السلام نه تنها اصلاح‌طلبی و انجام اصلاحات راستین در همه ابعاد زندگی توصیه شده و کارشکنان و کوتاهی‌کنندگان را سرزنش نموده، بلکه استفاده می‌شود وظیفه حاکم و رهبری پرداختن به اصلاح امور ملت است.

«کوشش در صلاح و سامان دهی جامعه و امور مردم از کمال سعادت و نیکبختی است.» -من کمال

السعادة السعی فی صلاح الجمهور. غرالحکم، ج 6، ص 30 . 2

«در آنچه صلاح است و اصلاحات بشمار می‌آید کوتاهی و سستی نکنید.» -ولانفر طوافی صلاح. نهج البلاغه

(صیحی صالح)، نامه 50 . 2

«کدورتها و مسائل (شخصی و جناحی) بین خود را اصلاح کنید.» -و اصلحوا ذات بینکم. خطبه 16 . 2

«وظیفه من جز تلاش و کوشش در اصلاح امور شما نیست.» -و ما علی الا الجهد... 178 . 2

اصلاحات و حکومت اسلامی

امام علی علیه السلام در بیانات متعدد تصریح می‌فرماید که ایجاد اصلاحات همه جانبه از اهداف بلند فعالیتها و دستیابی ما، به امارت و حکومت می‌باشد؛ از جمله می‌فرماید:
«پروردگار! تو می‌توانی آنچه انجام دادیم نه برای کسب سلطنت و نه جهت تحصیل متاع پست دنیا بود، بلکه بدان خاطر بود که معیارها و نشانه‌های از بین رفته دین دنیا را بازگردانیم و اصلاحات را در شهرها و سرزمین‌هایت آشکار و محقق نماییم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امنیت (سیاسی، اقتصادی، قضایی، بهداشتی و...) و آسایش قرار گیرند (روابط اجتماعی و عدالت زندگی عمومی مردم از نظر مسکن، تغذیه، آموزش و پرورش و... بهبود آشکار یابد) و قوانین و مقرراتی که به فراموشی سپرده و احکام تعطیل مانده

خدا، اقامه و اجرا گردد)). -اللهم انك تعلم انه لم يكن الذي كان منافسة في سلطان و لالتماس شىء من فصول الحطام و لكن

لنرد المعالم من دينك و نظهر الاصلاح في بلادك فيأمن المظلومون من عبادك و تقام المعطلة من حدودك. خطبه 131 . 2

و نیز در دستور العمل خود به مالك اشتر (استاندار بزرگ مصر) می نویسد:
(به آن سرزمین مامور و اعزام شدی تا خراج و مالیات‌های آنجا را جمع آوری نمود و با دشمنانش جهاد کنی و به اصلاحات جامعه و اهل مصر همت گماری، به عمران و آبادی شهرها و مناطق آن بپردازی...)) -

جابه خراجها و جهاد عدوها و استصلاح اهلهما و عمارة بلادها... نامه 53 . 2

اصلاحات و آگاهی

از آنجا که در هر کار و راهی، موفقیت‌ها، مرهون میزان معرفت و آگاهی است، حرکت اصلاحی هم نیازمند شناخت لازم و علم و اطلاع مصلح نسبت به ابعاد و اهداف آن به طور شفاف و تبیین حدودش برای جامعه می‌باشد.

و لذا در نهج البلاغه غیر از توصیه‌های مکرر به کسب دانش و تجربه و فرهیختگی و اینکه راس و سر آغاز تمام فضائل، علم است، در خصوص اصلاحات نیز امام علی علیه‌السلام به عنوان مصلحی یگانه، می‌فرماید:

(به راستی من به آنچه شما را به اصلاح می‌رساند و کاستی و کژی هایتان را بر طرف می‌نماید آگاهی کامل دارم و می‌دانم چگونه شما و جامعه را اصلاح کنم.) و همچنین در - و انی لعالم بما يصلحکم و یقیم اودکم. /

خطبه 69 2 عهد نامه خود به ((مالك اشتر)) رسماً می‌کند تا آگاهی و شناخت خود را در زمینه سامان دادن کشور و اصلاحات (در بخش‌های مختلف) با بحث و گفت‌وگو و مشاوره با متخصصان و عالمان متعهد تکمیل و تقویت نماید:

(... و با کارشناسان و دانشمندان بسیار به بحث و مشورت پرداز و این بررسی و بحث‌ها در باره اموری که وضع مملکت را در همه زمینه‌ها اصلاح می‌کنند...)) و در نامه خود - و اکثر مدارس العلماء و منافته الحكماء فی تثبيت

ما صلح علیه امر بلادك / . نامه 53 . 2 به امام حسن علیه‌السلام می‌نویسد:

(پس باید خواست‌ها و برنامه هایت از روی درك قوی و آگاهی باشد نه و نه ورود در شبهات...)) - فلیکن

طلبك ذلك بتفهم و تعلم: لا بتورط الشبهات. / نامه 31 . 2

جهت اصلاحات

اصلاحات وقتی مفید، فراگیر و ماندگار خواهد بود که با انگیزه و در جهت ارزش‌های الهی، ایمان و باورهای دینی جامعه و سنت‌های ملی صالح مردم باشد و بطور کلی آنچه در راستای بسط عدالت، دیانت و زندگی جاوید عالم آخرت قرار دارد (نه فقط در جهت هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی و لذت‌های زود گذر و محدود دنیا) تا انسان را به کمال لایق به حال خود برساند و نظام و کشور را استقلال، عزت و اقتدار بخشد و از این رو سرور آزادگان و عارفان، امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

(مبادا اصلاحات دنیویت را به بهای نابودی دینت انجام دهی...)) - و لا تصلح دنیاك بمحق دینك فتكون من الاخسرین

اعمالا / . نامه 43 . 2

و نیز به ((مالك اشتر)) کارگزار بزرگ خود می‌نویسد:
(هرگز آداب و سنت‌های پسندیده‌ای که بزرگان این امت به آن عمل کرده‌اند و عامل وحدت و انسجام بوده و ملت به وسیله آن به صلاح سامان رسیده است مشکن و از بین مبر و هیچگاه آداب و مقرراتی پدید نیآور که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد کند چرا که پاداش برای آورنده و کیفر و بدبختی برای تو خواهد بود که آنرا شکستی...)) (مردم - و لا تصلح دنیاك بمحق دینك فتكون من الاخسرین اعمالا. / نامه 43 . 2 چیزی

از امور دینشان را برای اصلاح دنیای خود ترك نمی‌کنند مگر آنکه خدا زیانبارتر از آنان پیش خواهد آورد. - لا

یترك شینا من امر دینهم لا استصلاح دنیا هم الا فتح الله علیهم ما هو اضر منه / . حکمت 106 . 2

حتی از منظر نهج البلاغه، تباه نمودن آخرت (زندگی ابدی انسان که بعد از مرگ آغاز می‌شود) فساد به شمار آمده و اصلاح طلبان باید در برنامه ریزهای خود از این حدود و جهت را بشناسند و رعایت کنند، که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

« از موارد فساد، ضایع نمودن زاد و توشه ((اندیشه نیک و عمل صالح) و تباه ساختن آخرت و معاد است))
- و من الفساد اصاعه الزاد و مفسدة المعاد / نامه 31 . 2

و در اینکه اصلاحات باید در جهت حق و عدل باشد، حضرت علی علیه‌السلام به ((عبدالله بن عباس)) (وقتی از او پرسید این کفش وصله دار من چقدر ارزش دارد و ((ابن عباس)) پاسخ داد بهایی ندارد) می‌فرماید:
« بخدا سوگند همین کفش بی‌ارزش، برایم از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر اینکه با آن حقی را به پا دارم و یا باطلی را دفع کنم)) - و الله لهی احب الی من امرکم الا ان اقیم حقا اوو ادفع باطلا / خطبه 33 2

دقت در اصلاحات

هر کار و امری اگر بعد از تحقق مقدماتش انجام گیرد به نتیجه مطلوب خواهد رسید و انجام آن قبل از حصول شرایط و زمان مناسب غیر خردمندانه و نا موفق خواهد بود، و همچنین با وجود مقدمات و فرصت لازم، تاخیر و سستی در آن، تبلی و زیانبار می‌باشد، در واقع این خود نوعی زمان‌شناسی و پاسخ به نیاز زمان است.

بر این اساس، امام علی علیه‌السلام در عهد نامه مشهور خود به ((مالك اشتر)) نوشته است:
« از تعجیل در کارهایی که وقت انجام داد نشان نرسیده پرهیز و از درنگ نمودن در اموری که وقت آن رسیده دوری کن و لجاجت مکن در چیزی که مبهم است (حقیقت آن روشن نیست) و سستی و کوتاهی در کارهای روشن، پس هر کاری را در جای خود و زمان خاص خود انجام بده)) - ایاک و العجله بالامور قبل او انها

او التسقط فیها عند امکانها او اللجاجه فیها اذا تنكرت او الوهن عنها اذا استوضحت، فضع کل امر موضعه و اوقع کل امر موقعه. / نامه

53 . 2

و در بیانی دیگر می‌فرماید:
« شتاب کردن پیش از توانایی بر کار و سستی و درنگ ورزیدن بعد از بدست آوردن فرصت، از بی‌خردی است)) - من الخرق المعالجه قبل الامکان و الاناة بعد الفرصة. / حکمت 363 2

اصلاحات در همگان

اصلاحات بخشی، فصلی و انحصاری، غیر مفید و ناپایدار است و باید در همه ابعاد و گروهها و به نفع اصناف جامعه خاصه فرودستان و اقشار آسیب‌پذیر انجام گیرد، چرا که حق و عدل و ارتباط نزدیک انسانها و زندگی اجتماعی و تاثیر پذیری آنها و... همه گویای این حقیقت است که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

« و بدان و آگاه باش، ملت و مردم از گروهها و اقشار مختلف‌اند که اصلاح هر يك جز با دیگری ناممکن است و هیچ يك از گروهها و سازمانها از یکدیگر بی‌نیاز نمی‌باشند)) - و اعلم ان الرعيه طبقات لا يصلح بعضها الا

بعض الا و لا عنی ببعضها عن بعض / نامه 53 . 2

و در مقام و بیانی دیگر اصلاحات را در صلح و آشتی بین اصناف امت دانسته می‌فرماید:

« امید آنکه در این مدت صلح، خداوند امور امت را اصلاح کند)) - و لعل الله ان يصلح فی هذه الهدنة امر هذه الامة /

خطبه 125 . 2

و نیز از امتیاز خواهی خویشان و خواص زمامدار کشور بشدت انتقاد نموده، می‌فرماید:
« همانا زمامدار را خواص و نزدیکانی است که امتیاز خواه و چپاولگرند و در معاملات کم انصافند، پس ریشه اینها را با بریدن اسباب آن بخشکان و برکن و به هیچیک از اطرافیان و خویشانت زمین وا مگذار و...))

- ثم للوالی خاصة و بطانة فيهم استنثار و تطاول و قله انصاف فی معامله فاحسم مادة اولنک.../ نامه 53 . 2

و آنگاه علی علیه‌السلام در همین نامه با بیانی خاص در اهتمام به امور محرومان می‌فرماید:

﴿ خدا را خدا را در خصوص طبقات پائین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند، زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان... ﴾ - **ثم الله الله فى الطبقة السفلى من الذين لاحيله لهم من المساكين و المحتاجين و اهل البوسى و**

الزمنى... / نامه 53 . 2

نقش دولت و ملت

شکل‌گیری اصلاحات و این حرکت سازنده، همت و حمایت همگانی و مشارکت دولت و ملت را می‌طلبد، تا جایی که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

﴿ رعیت و ملت اصلاح نمی‌شود جز آنکه دولت و زمامداران اصلاح گردند و زمامداران نیز جز با درستکاری و استقامت رعیت اصلاح نشوند ﴾ - **فليست تصلح الرعية الاصلاح الولاة و لا تصلح الولاة الا باستقامة الرعية. / خطبه**

216 . 2

تقدم واژه « ولاة » گویای اولویت اصلاحات در کارگزاران و ساختار نظام و حاکمان جامعه است. زیرا از این رهگذر است که توده مردم به رفاه و صلاح می‌رسند و به زمامداران خود اقتدا نموده به رنگ آنان در می‌آیند. و در بیانی دیگر نیز می‌فرماید:

﴿ همه اقشار جامعه به میزانی که آموزش اصلاح شود (اعم از امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) به زمامدار و والی حق معین و مشخصی دارند. ﴾ - **و لكل على الولى حق بقدر ما يصلحه. / نامه 53 .**

2

و نیز در موارد متعدد حقوق متقابل مردم مردم و والی را بیان داشته است. - **نهج البلاغه، خطبه 34 . 2**

بهر حال رهبر و حاکم جامعه باید به میزان قدرت و توانها و امکانات موجود و با توکل به خدا در انجام اصلاحات بکوشد و وظیفه ملت، اطاعت و اجرای اصلاحات همراه با نقد بموقع و خیر خواهانه و نصیحت مناسب است. - **و ما اردت الا الاصلاح ما استطعت و ما توفيقى الا بالله عليه توكلت و اليه انيب. / نامه 28 . 2**

اصلاحات فرهنگی

به دنبال بحث ضرورت اصلاحات، این سؤال مطرح می‌شود که از کدامین نقطه حرکت اصلاحی آغاز شود؟ بدیهی است تا فرد و جامعه از درون و ریشه اصلاح نشوند، بیرون زندگی و وضعیت رفتاری آن سامان نخواهد یافت، چرا که:

ذات نا یافته از هستی بخش - - کی تواند که شود هستی بخش

می‌آورند و اصلاحات توسعه و تعمیق می‌بخشند. این اصلاحات درون سازمان و نظام است که عامل اقتدار و عزت ملی گردد. و در مباحث مدیریتی، بسیاری معتقدند آنکه نتواند خویشتن را مدیریت کند، نمی‌تواند گروه و سطوح فرا سازمانی را رهبری نماید و سامان دهد. و بزرگترین امتیاز نهضت اصلاح طلبانه انبیاء در تحول فکری و فرهنگی بوده و امروز هم دشمن با تهاجم و شبیخون فرهنگی می‌خواهد آنرا منزوی سازد!

بر این اساس در نهج البلاغه می‌خوانیم که از وظایف اصلی رهبری، نصیحت و تعلیم تربیت ملت است و امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

﴿خوشا به حال آنکه (فرد و جامعه)... جان و درونش صالح و پاک بوده و اخلاقش نیکوست.﴾ - **رك نهج**

البلاغه، خطبه 34 . 2

﴿هر کس نهان و درون خود را اصلاح کند، خدا آشکار و ظاهر او را نیکو گرداند.﴾ - **طوبى لمن... و صلحت سريره**

و حسنت خليفته. / حکمت 423 . 2

﴿آنکه بین خود و خدا اصلاح نماید خداوند میان او و مردم را اصلاح می‌کند.﴾ - **من اصلاح ما بينه و بين الله اصلح**

الله ما بينه و بين الناسلام / حکمت 89 . 2

و در عهد نامه امام علی علیه السلام به استاندار مصر نیز آمده است:
«بهترین ساعات شب و روز را برای خود و خدا قرار بده، گر چه اگر نیت صالح و درست باشد و ملت در امنیت و آسایش واقع شوند، تمام وقتها خدایی است.» - و ان كانت كلها لله اذا صلحت فيها النية و سلمت فيها

الرعيته. نامه 53 .

در نهایت از مطالب گذشته، تقدم اصلاحات در نیت و فکر، فرهنگ، اعتقاد و خلیات فرد و جامعه را می توان نتیجه گرفت.

اصلاحات اقتصادی

مدیریت موفق باید جهت تحقق برنامه های اصلاحی، اهتمامی لازم را به حل امور اقتصادی و معیشتی ملت و رفع فقر معطوف دارد (یعنی با ایجاد بستر رشد و تعالی، موانع راه را بردارد). و غفلت و کوتاهی در آن تهدید جدی برای مدیران و اصلاح طلبان و مردم خواهد بود و فقر، فاجعه آفرین می باشد. شهید عدالت علی علیه السلام به حاکم مصر - نهج البلاغه، حکمت 328 .² می نویسد:

«اگر مردم از سنگینی بار معیشت و مالیات، یا آفت زدگی و خشکسالی و... شکایت کردند، عوارض و مالیاتها و هزینه های زندگی را تا جایی تخفیف و کاهش بده که امور آنان سامان گیرد و اصلاح شود، و این تخفیف، تو را نگران نسازد، زیرا آن ذخیره ای است ککه به عمران کشور برگشته، گسترش عدالت و محبت ملت را به همراه خواهد داشت.» - فان شكوا ثقلا او انقطاع شرب او باله... خفت عنهم نرجوا ان يصلح به امرهم و لا يتقلن

عليك شيء... نامه 53 .²

مضافا که رسیدگی به مسائل مالی و انجام اصلاحات اقتصادی متناسب با شرایط زمان، یکی از وظایف اصلی والی و از حقوق ملت نسبت به دولت است به طوریکه حضرت علی علیه السلام می فرماید:
«و اما حق شما بر من آن است که از خیر خواهی شما دریغ نرزم و بیت المال شما را در راه (معیشت و رفاه) شما صرف کنم... شما را تعلیم دهم تا در جهل و نادانی نمایند.» - فاما حکم علی فالنصيحة لكم و توفير

فینکم علیکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا و... خطبه 34 .²

اصلاحات سیاسی

در نهج البلاغه هر گونه اصلاحات سیاسی، داخلی و خارجی با حفظ استقلال و آزادی و نفی هر نوع بردگی و ظلم و استعمار (فرهنگی، اقتصادی و...) همراه است و امام علی علیه السلام می فرماید:
«نفس خود را از هر گونه پستی و حقارت باز دار... و هرگز برده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است و آن نیک و خیر که جز با شر و زشتی به دست نیاید، نیک نمی باشد!» - و اکرم نفسك عن كل دنیه... و

لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا، / نامه 31 .²

در واقع می توان گفت آنچه موافق عدل و خیر و صلاح ملت کشور نباشد اصلاحات نیست. لذا وقتی به آن حضرت گفتند، مردم دل به دنیا بسته اند و معاویه با هدایا و پول، آنها را جذب می کند شما هم از بیت المال به جای تقسیم مساوی، به اشراف ببخش تا به تو گرایش پیدا کنند، فرمود:
«آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود از جور و ستم استفاده کنم؟! به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان طلوع و غروب می کنند، چنین کاری نخواهم کرد.» - انا مرونی ان اصلب

النصر بالجور فیمن و لیت علیه، و الله لا اطور به ما سمر سمیر و ما ام نجم فی السماء نجما... / خطبه 126 .²

اصلاحات از دیدگاه حضرت علی علیه السلام با نفی و طرد تفکر «ما کیاولیسیم» و اینکه هدف وسیله را توجیه می کند و یا آنکه برای از میدان بیرون راند حریف، از هر حربه ای استفاده باید کرد. همراه است، تا آنجا که می فرماید:

«لیکن اصلاح شما را با فساد کردن روح و از مسیر گناه جایز نمی دانم... شما آن گونه که باطل را می شناسید، از حق آگاهی ندارید و در نابودی باطل نمی کوشید آن سان که در نابودی حق تلاش می کنید.» - و لکنی لا اری اصلاحکم بافساد نفسی... لا تعرفون الحق کمعرفنکم الباطل و لا تبطلون الباطل کابطالکم الحق. /

و در پاسخ به عده‌ای نسبت به سیاست‌های معاویه، می‌گوید:
 «به خدا سوگند معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما حيله گر و جنایتکار است، اگر فریب و نیرنگ، ناپسند نبود. من زیرک‌ترین و سیاسی‌ترین افراد بودم، لیکن هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و ناسپاسی است.» - و الله ما معاویه بادهی منی و لکنه یعدر یفجر و لولا کراهیه العدر لکت من ادهی و لکن کل عدره فجره و

و در نهراسیدن از پیمودن طریق حق و انجام اصلاحات واقعی می‌فرماید:
 «هرگز در راه راست و هدایت از کمی افراد نترسید، زیرا اکثریت مردم به سفره‌ای گرد آمده‌اند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی و بسیار است.» - ایها الناس لا تستو حشوا فی طریق الهدی لقله اهله... / خطبه

و نیز به عنوان يك سیاستمدار هر گونه امتیاز دهی بیجا به طلحه و زبیر یا سازش و مداهنه نسبت به برخی کارگزاران ناصالح زمان عثمان را رد می‌کند.
 پیشوای پروا پیشگان امام علی علیه‌السلام در اخلاق سیاسی به هیچ وجه حاضر نبود از مرز قانون و عدل خارج شود، تا چه رسد به آنکه برای اصلاحات ظلم و ستم روا دارد! و می‌فرمود:
 «به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفتگانه را به آنچه در زیر آسمان هاست به من بدهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نا فرمانی کنم هرگز نخواهم کرد.» - و الله لو اعطیت الاقلیم السبعة بما

و یا در کلامی دیگر می‌فرماید:
 «به خدا سوگند اگر شب را تا بامداد بر بستری از خار سعدان به سر برم و یا در غل و زنجیرها کشیده شوم خوشتر دارم از آنکه خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به برخی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم، چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش که به سرعت به سوی کهنگی و پوسیده شدن می‌رود و مدت‌ها در خاکها می‌ماند!» - و الله لان ابیت علی حسک

اصلاحات ساختاری

در نهج البلاغه امام علی علیه‌السلام برای بستر سازی اصلاحات، غیر از گزینش صالحان و ایجاد تقوای سازمانی و توصیه به ساده زیستی، ترك تجملگرایی، حذف بوروکراسی و چاپلوسی، دیدگاه خاصی به کارگزاران می‌دهد که ساختار اداری را عملاً سامان می‌دهد، از جمله می‌فرماید: - ر.ک نهج البلاغه، نامه

«به راستی کار حکومتی و پست فرمانداری برای تو طعمه و وسیله آب و نان نبوده بلکه امانتی (امانت خدا و مردم) در گردن تو است...» - ان عملک لیس لك بطعمه و لکنه فی عنقک امانه... / نامه 5 . 2

و در خطبه دیگر می‌فرماید:

خداوند بر پیشوایان حق و عدل واجب کرده که خود را در زندگی، با محرومان همسو سازند تا فقر و نادانی، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان و فساد نکشانند» - ان الله تعالی فرض علی ائمه العدل ان یقدروا

و همچنین بر رفع موانع، و رسیدگی حضور به امور مراجعین تأکید می‌کند:
 «بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز و کار دارند، در مجلس عمومی با آنان بنشین و بخاطر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان با تو بدون اضطراب سخن بگویند...»

و نیز به کار گزاران خود توصیه می‌فرمود:

«و نیازهای مردم را در همان روز که به تو عرضه می‌دارند و یاران و اطرافیان از پاسخگویی و حل مشکل آنان ناتوانند برآورده کن و کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کار مخصوص خود را دارد.» -

و منها اصدرنا حاجات الناس يوم ورودها عليك بما تخرج به صدور اعوانك و امض لكل يوم علمه فان يوم ما فيه. نامه . 53

این کلام به وضوح دلالت بر پاسخگویی و تأمین نیاز و رضایت مراجعین در کوتاه‌ترین زمان ممکن دارد و سادگی سیر اداری و منفی بودن بوروکراسی را دیکته می‌کند. و همچنین در دوری از تشریفات آمده است وقتی مردم شهر «انبار» به احترام آن حضرت، از مرکب‌ها پیاده می‌شوند و پیشاپیش امام علیه‌السلام می‌دوند و می‌گویند ما این گونه امیران خود را تعظیم می‌کردیم! حضرت علی علیه‌السلام رسماً این حرکت را تقبیح کردند. - ر.ک نهج البلاغه، حکمت . 37

و در نفی هرگونه چالپوسی، می‌فرمود:
«من از شما می‌خواهم تا مرا با سخنان زیبا مستناید... بامن چنانکه با جباران سخن می‌گوئید، حرف نزنید و آن گونه که از افراد خشمگین دوری می‌کنند و با مستبدان محافظه کاری می‌کنند، از من کناره مجوئید و با ظاهر سازی رفتار نکنید من و شما بندگان پروردگار یکتائیم.» - فلا تتكلمونی بما تكلم به الجبارة و لا تتحفظوا

منی بما يتحفظ به عند اهل البادره و لا تخالطونی بالمصانعة. خطبه . 216

و نسبت به دقت در استفاده از امکانات دولتی و اموال عموم، کارگزاران خود را توصیه می‌فرمود:
«قلم‌های خود را نازک بتراشید و فاصله میان سطرها را کاهش بپرهیزید و مقصود را هر چه کوتاهتر بیان کنید، مبدا پر چرخ کنید، چرا که نباید کمترین زیارتی به اموال مسلمانان برسد.» - ادقوا افلامکم و قاربوا بیّن

سطورکم و اخذقوا من فضولکم و اقصداو قصد ادامه از صفحه قبل: المعانی وایاکم و الاكثره فان احوال المسلمین لاتحمیل الاضرار.

بحارالانوار، ج 41 ، ص 105 . 2

آیا يك روز اینگونه بوده‌ایم؟!
آیا ضعف از مکتب علوی است یا از ما؟!
آیا نباید بیاندیشیم و درس‌های عدل و عزت را از علی علیه‌السلام بیاموزیم؟!

زمینه‌ها و عوامل اصلاحات

بدون تردید يك سلسله زمینه‌ها و عوامل معنوی و مادی، در بسترسازی و تحقق اصلاحات نقش دارد که بیشتر آنها را در نهج‌البلاغه می‌یابیم، از جمله:

1 - تقوا

تقوا نیرویی است مقدس که سبب کشش به سوی ارزشهای معنوی و عالی و گریز از پستی‌ها و آلودگی‌های مادی می‌شود، و آدمی را بر خویشتن مسلط نموده، از اسارت هواهای نفسانی آزاد می‌کند. و در واقع به انسان مصونیت می‌بخشد نه محدودیت. داشتن تقوا در اندیشه و عمل اصلاح طلب موثر می‌باشد. امام‌المتقین علی علیه‌السلام پیوسته بر تحقق تقوا و تعمیق و توسعه آن خاصه نسبت به خواص، تأکید داشت، حتی در وصیتنامه خود، قبل از هر چیز به تقوا و پروا پیشگی توصیه می‌فرماید:
«شما را و تمام فرزندانم و هر کس این پیام به او می‌رسد در هر زمان و هر به تقوا و نظم در امور و ایجاد صلح و صلاح بین خود سفارش می‌کنم...» - اوصیکما و جمیع ولدی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح

ذات بینکم. نامه . 47

و در خطابی دیگر به بیان آثار تقوا پرداخته، می‌فرماید:
«به راستی تقوا داروی بیماری دلها و قلب‌های شما... و به صلاح و سامان رساننده فساد درون (جان و جامعه) شماست.» - فان تقوی الله دواء داء قلوبکم م... و صلاح فساد صدورکم /. خطبه . 198

ای بندگان خدا بدانید تقوا دژی بلند و شکست‌ناپذیر است و بی تقوایی و هرزه‌گی خانه‌ای پست و در حال فرو ریختن که حافظ ساکنان خود نمی‌باشد و کسی که به آن پناه برد در امان نخواهد بود، آگاه باشید، بانقوا می‌توان ریشه و نیش گزنده گناهان را قطع کرد.» 3 - واعلموا عباد الله ان التقوی دار حصن عزیز و

الفجور دار حصن ذليل لا يمنع اهله ولا يحرز من لجا الىه الا وبا لتقوى تقطع حمه الخطايا. خطبه 157 . 2

«همانا تقوا کلید هر در بسته و توشه قیامت و عامل آزادی از هر گونه بردگی و نجات از هر تباهی است. و در پرتو تقوا طالب هر چیز پیروز خواهد و پروا کنندگان از گناه، رستگاران و با تقوا به هر آرزویی می‌توان رسید» 4 - فان التقوی مفتاح سداد و ذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلکه بها ینجح الطالب و تال الرغائب. خطبه

230 . 2

2- قدردانی از نعمت‌ها

یعنی آنچه داریم از آن خدا بدانیم و همراه با سپاس و شکر او، با برنامه ریزی صحیح و به دور از اسراف و تبذیر، در مسیر رضای او و خدمت به بندگان او استفاده و صرف کنیم. که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«هر نعمتی که خداوند به تو بخشیده نیکو دار و در راه صلاح و اصلاح بکار گیر و هرگز نعمت‌هایی را که در اختیار داری تباه مکن».

2 - استصلح کل نعمة انعمها عليك و لا تضعین نعمة من نعم الله عندك. / نامه 69 . 2

3 - تأمین زندگی کارمندان

رسیدگی به معیشت کارمندان نه تنها امید بخش و انگیزه کار بهتر و بیشتر می‌شود بلکه سبب آرامش خاطر آنان بوده، و مانع تجاوز به اموال مردم و بیت‌المال می‌گردد. امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

«سپس روزی فراوان و امکانات مورد نیاز کارمندان را بر آنان ارزانی دار که با حقوق و در آمد کافی در اصلاح خود بهتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجت است بر آنها».

ثم

اسبغ عليهم الارزاق فان ذلك قوة لهم على استصلاح انفسهم و غنى لهم عن تناول ما تحت ايديهم و حجة عليهم. / نامه 53 . 2

4 - استفاده از تجربه صالحان

بهره‌گیری از تجربه موفق مصلحان هم علم است و هم صرفه جویی در زمان و دوری از زیان‌های آزمون و خطا، که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«آنچه نیکان و صالحان خاندانت به آن عمل کرده‌اند، انتخاب کن و انجام بده»

- و الاخذ بما مضى عليه الاولون من

آبائك و الصالحون من اهل بيتك. / نامه 31 . 2

5 - دوری از شعار و ریا

اسلام پیوسته آدمی را از تنگ نظری‌های مادی و خودنمایی و خود بینی‌های بیرون آورده، او را به خدا و کمال نامتناهی متوجه می‌کند تا نه تنها به جای حرف و شعار، عملگرا گردد بلکه در اجراء و عمل هم گرفتار توقف یا انحراف نشود، حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«و عمل صالح زراعت آخرت و ارزشمند است... و کارها (نیکی‌ها و اصلاحات) را بدون ریا و خودنمایی و شهرت‌طلبی، انجام دهید».

2 - و العمل الصالح حرت الاخرة... و اعملوا فی غیر رياء و... / خطبه 23 . 2

6 - امر به معروف و انتقاد سالم و خیر خواهانه

برای شکل‌گیر و پیشرفت اصلاحات، دولت و ملت باید ناظر و ناصح هم باشند، در نهج البلاغه می‌خوانیم:

«پس مرا با خیر خواهی خالصانه و سالم یاری کنید».

- فاعينوني بمناصحة خلية من الغش، سليمة... / خطبه

118 . 2

«و امر به معروف را برای اصلاح توده‌ها و جامعه قرار داد»

2 - و الامر بالمعروف مصلحة للعوام. / حکمت 252 . 2

7 - قانون‌گرایی

عمل به وظیفه و حفظ حقوق یکدیگر در مردم و کارگزاران بستر ساز اصلاحات می‌باشد. علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«و آنگاه که مردم حق رهبری و والی را ادا کنند و زمامدار جامعه، حقوق مردم را ببردازد، حق در آن جامعه

عزت یابد، راههای دین پدیدار و استوار گردد، نشانه‌های عدالت برقرار و سنت‌های صحیح، در مسیر خود به راه افتد پس بدین ترتیب روزگار اصلاح شود و مردم به استمرار دولت و حکومت امیدوار و توطئه و طمع‌های دشمنان به یاس انجامید.)) - فاذا اذات الرعية الى الوالى حقه وادى الوالى حقهها... / خطبه 216 . 2

8 - مبارزه با فساد

همزمان با برنامه‌های اصلاحی، شناسایی و جلوگیری از رویش و رشد مفساد (فردی، اجتماعی، اقتصادی و... از هر کس و در هر شکل) يك ضرورت است تا اصلاحات به ثمر رسد همانگونه که برای رشد نهال و گل‌ها، آفتها و خارهای مزاحم را باید دفع کرد و با روش صحیح از بین برد مصلحان بزرگ تاریخ یعنی انبیاء اینگونه عمل کردند، و علی علیه‌السلام می‌فرماید:

((بدانید خداوند مرا فرمان داده است تا با سرکشان، پیمان شکنان و کسانی که فساد به راه می‌اندازد

مبارزه کنم.)) - فتعصوا لخلال الحمد من الحفظ للجوار... و الكف عن البغى و اجتناب الفساد فى الارض. / خطبه 192 . 2

((در حفظ خصلت‌های پسندیده تعصب به خرج دهید... از ستم و فساد اجتناب و دوری کنید.)) . 291

هبطخ / ضرلا ىف داسفلا و ثكنا و ىغیلا لها لانقب هلا ىنورما دق و لا - 2

9 - تبیین آثار و فواید

از جمله عوامل موثر در پذیرش و شکل‌گیری اصلاحات بیان نتایج و فواید ارزشی حرکت اصلاحی و تجلیل از عمل صالح و بها دادن به خوبان و خوبی‌ها می‌باشد، امام صالحان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

((هر گاه صلاح و شایستگی بر روزگار و مردم چیره شد، اگر کسی به دیگری گمان بد برد که گناهی از او ظاهر نشده، ستمکار است.)) - اذا استولى الصلاح على الزمان و اهله ثم اساء رجل الظن بر جل لم نظهر منه حوبة فقد ظلم.

/ حکمت 114 . 2

((آگاه باشید نام نیک و زبان صالح و خیر که خداوند برای آدمی، در میان مردم قرار دهد بهتر است از مال ارثی که برای دیگران می‌گذارد و او را سپاس هم نمی‌کند.)) - الا و ان الانسان الصالح يجعله الله تعالى الى للمرء

فى الناس خیر له من المال یورثه، من لا یحمده. / خطبه 120 . 2

((هیچ تجارت و معامله‌ای همانند عمل صالح (پرسود) نیست)) - لا تجاره کالعمل الصالح. غرر الحکم و در الکلم / ج

6 ، ص 364 . 2

البته خواستن و تلاش مردم در تحقق اصلاحات قابل تردید نیست (همانند زمین آماده و پذیرای بذر صالح) و شاید ذکر محاسن برنامه اصلاحی، عامل ایجاد و افزایش تقاضا و خواست ملت گردد. و لذا علی علیه‌السلام (به فساد پرداختن و امید اصلاح داشتن را) توبیخ می‌کند:

((آنها (دشمنان)... در شهرها و مناطق خود به صلاح و اصلاح مشغولند و شما به فساد و خرابی

می‌پردازید!)) - و بصلاحهم فى بلادهم و فسادکم... / خطبه 25 . 2

10 - شایسته سالاری

گزینش و انتخاب کارگزاران صالح و کاردان، نقش اساسی در اجرای اصلاحات دارد، به عکس گماشتن افراد ناصالح و ناکار آمد، وابستگان قومی و حزبی ناتوان، عامل ظلم، بدبینی، نارضایتی و خشم مردم و موجب فساد و بحران خواهد شد. در این رابطه امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

((کارگزاران خود را از میان افراد با تجربه، با حیا و از خاندان‌های شایسته و با صلاحیت و پیشگام در اسلام

انتخاب کن...)) - و نوح منهم اهل التجربة و الحیا من اهل البیوات الصالحة و القدم فى الاسلام و... / نامه. 53 . 2

11 - برخورد قاطع با کارگزاران متخلف

حضرت علی علیه‌السلام در عین آنکه مظهر محبت و تبلور عطوفت بود اما با خائنان و مسئولان متخلف نظام، بدون ملاحظه کاری و تساهل و تسامح برخورد می‌نمود و قاطعانه قوانین الهی را در حق آنها اجرا می‌کرد

در نامه خود به والی مصر می‌نویسد:

((سپس رفتارشان را مورد بررسی قرار ده و بازرسان مخفی از افراد راستگو و وفادار بر آنان بگمار زیرا

بازرسی سری تو سبب می‌شود تا آنها امانت داری کنند و با مردم به ملاطفت رفتار نمایند و از اعوان خائن دور نگهدارند. و اگر یکی از آنها (کارگزاران) آلوده به خیانت شد و گزارش ماموران مخفی علیه او جمع گردید و آن اخبار را حجت دانستی، خائن را تنبیه بدنی کن و به کیفر عملش برسان، و او را خوار نموده و داغ خیانت و ننگ بر گردنش بینداز.» - ثم تعقد اعمالهم و ابعت العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم. / نامه 53 . 2

آری تاریخ گواه است که آن حضرت، (شریح قاضی) را به خاطر خانه‌ای که تهیه کرده بود، احضار و توبیخ کرد. جانشینی فرماندار بصره را برای کوتاهی در حفظ بیت المال - نهج البلاغه، نامه 3 . 2 به شدت تهدید نمود. و (کمیل بن زیاد نخعی) را به جهت بی کفایتی در فرماندهی لشکر، نکوهش و برکنار کرد. - همان،

نامه 20 و 21 . 2 - همان، نامه 61 . 2

و در نامه بی یکی از مسئولان خائن حکومتش نوشت:

((از خدا بترس و پرهیزکار باش و اموال آنان را باز گردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا به تو دست یابم تو را کیفر خواهم کرد که نزد خدا عذر خواه من باشد. و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. به خدا سوگند اگر حسن و حسین علیه‌السلام (دو فرزند آن حضر) چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزویی نمی‌رسیدند جز آنکه حق را از آنان بگیرم.)) / ... لعفت مل نا ك نافع مهلاوما موقلا لاهه لا دروا ه للاق تاف - 14 ه ما 2

و در کلامی دیگر می‌فرماید:

((در انجام آنچه صلاح به شمار می‌آید سستی مکنید و برای رسیدن به حق تلاش نمایید و اگر بر حق و صلاح پایداری نکنید، بدانید خوارترین افراد نزد من، انسان کج رفتار است که به سختی کیفر خواهم داد و هیچ راه گریزی نخواهد یافت.)) - و لا تفر طوا فی صلاح و ان تخوضوا العمرات الی الحق فان انتم لم تستقیموا... / نامه

50 . 2

12 - صداقت و صراحت

در سیره سیاسی امام عدالت خواهان حضرت علی علیه‌السلام به وضوح صداقت و صریح گویی با مردم، دیده می‌شود که نقش فراوان در جلب اعتماد و پذیرش برنامه اصلاحات دارد، به طوری که می‌فرمود: ((آنچه می‌گویم بعهده می‌گیرم و بدان پای بندم... بخدا سوگند هرگز سر سوزنی حقیقت را از شما پنهان نکردم و هیچگونه دروغی نگفته‌ام.)) - ذمئی بما اقول رهینه و انا به زعیم... و الله ما کتمت و شمة و لا کذب کذبة. / خطبه

16 . 2

و همچنین می‌فرماید:

((هرگاه رعیت و ملت بر تو بدگمان گردد، عذر و دلیل خود را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار بدگمانی را (و در نتیجه زیر سؤال رفتن خود و برنامه هایت) از آنان برطرف کن، که این دفاع، ریاضتی برای خود سازی تو و مهربانی و مدارا نسبت به مردم است و آنان را به حق و قانون مداری و می‌دارد.)) -

و ان ظنت الرعيه بك حيفا فاصحر لهم بعدرك... / نامه 53 . 2

13 - حفظ کرامت انسانها

در ((نهج البلاغه)) بارها محبت به ملت و حفظ کرامت انسانها توصیه شده است که این خوی پسندیده عامل پذیرش و پیشرفت طرح‌های اصلاحی و سبب رشد و شکوفایی ملت، اجرای قانون، اعتماد و امنیت خواهد بود. و امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

((ای مالک رافت و رحمت را پوششش دل خود قرار بده و یا همه مردم دوست و مهربان باش چرا که دو دسته‌اند، یا برادر دینی تو اند و یا افرادی همانند تو در آفرینش... بر آنان سخن مگیر و ببخشای... و باید محبوب‌ترین چیزها نزد تو، تعمیم عدل و جلب خوشنودی و رضای توده مردم باشد.)) - همان، نامه 35 . 2

و در پیامی دیگر می‌فرماید:

((با مردم متواضع و فروتن، مهربان و گشاده رو باش و در نگاه و نیم نگاهت به مردم نیز، با تساوی رفتار کن.)) - و اخفض لهم جناحك و الن لهم جناحك و اسط لهم و جهك و اس بینهم فی اللحظه و النظره... / نامه 53 . 2

چرا که تبعیض‌های ناروا، جامعه را به فساد و تفرقه، تباهی و طغیان می‌کشاند و مانع شکل‌گیری و

استمرار اصلاحات می‌باشد. و لذا پیشوای اصلاح طلبان راستین، علی علیه‌السلام اجازه برتری خواهی به کارگزارانش نمی‌داد.

«و برای همه ملت آنچه برای خود و خاندانت دوست داری، دوست بدار و برای آنها آنچه برای خود و

خاندانت نمی‌پسندی میسند.» - و احب لعامة رعيتك ما تحب لنفسك و اهل بيتك و اكره لهم ما تكره لنفسك و اهل بيتك.

تحف العقول، / ص 122 . 2

حتی منت گذاری، بزرگنمایی کار خود و آمار زیاد دادن را نهی می‌فرماید:
«از منت بر رعیت به هنگام احسان بهره‌یز و بیش از آنچه انجام داده‌ای کارت را بزرگ مشمار و هرگز خلاف وعده عمل مکن... و از امتیاز خواهی برای خود در آنچه مردم مساویند بر حذر باشد.» - و اياك و المن علی

رعيتك با حسانك او التزايد فيما كان من فعلك و اياك و الاستثثار بما الناس فيه اسوة... نامه 53 . 2

14 - دعا

به دنبال برنامه ریزی و مدیریت صحیح، هر طرح و حرکت اصلاحی، توجه قلبی به قدرت نامتناهی خدا نمودن و دعا کردن، نه تنها يك اصل مکتبی و معنوی می‌باشد که توفیق - نهج البلاغه، نامه 47 . 2 و تداوم کار و مصونیت از تهدیدهای نامرئی را نوید می‌دهد و به طور کلی دعا عبادت بوده و آثار تربیتی و روحی فراوان به همراه دارد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«اگر مردم هنگام نزول بلاها و گرفتاریها و زوال نعمت‌ها، با نیت‌های درست و صادقانه به درگاه خدا زاری کنند و با قلب‌های سرشار از محبت، از خدا بخواهند، آنچه از دستشان رفته، باز خواهد گشت و هر گونه فسادی اصلاح گردد.» - لو ان الناس حين تنزل و نزول عنهم النعم فرعوا الی ربهم بصدق... و اصلح لهم كل فاسد. / همان،

خطبه 178 . 2

و در کلامی دیگر می‌فرماید:

«خدای بین ما و آنان اصلاح فرما و صلاح و صواب را حاکم کن.» - اللهم و اصلح ذات بیننا و بینهم. / همان، خطبه

206 . 2

«پروردگارت تو مرا به اصلاح امورم راهنمایی فرما و قلم را به آنچه سبب رستگاریم شود هدایت نما.» -

سفدلی علی مصالحي و خذ بقلبي الی راشدی. / همان، خطبه 227 . 2

مما ری! علی علیه‌السلام به عنوان رئیس حکومت اسلامی و يك مصلح اسوه، خدا را می‌خواند و دعا می‌کند و به ما می‌آموزد.

اصلاح طلبان راستین

امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه ضمن کوتاهی به سه ویژگی برجسته مصلحان و اصلاح طلبان واقعی اشاره می‌فرماید:

«امر و فرمان خدای سبحان (حاکمیت دینی و اصلاحات واقعی) را برپا ندارد جز آنکه:

1. اهل ملاحظه کاری و سازش و سیاسی کاری (در اجرای حق) نباشد.
2. هم‌رنگ مردم ناصالح و مشابه مفسدان و در جهت خواست آنها حرکت و موضعگیری نکند.
3. پیرو آرزوها (تمایلات نفسانی، طمع مال و مقام و مفساد حزبی و جناحی) نگردد.» - لا یقیم امر الله

سبحانه الا من لا یصانع و لا یضارع و لا یتبع المطاعلها السلام / حکمت 110 . 2

و این همه ریشه در زهد و دوری از دنیا گرایی دارد. زهد حالتی است که زاهد به خاطر دلبستگی‌های معنوی و اخروی نسبت به مظاهر مادی زندگی (در اندیشه و عمل) بی‌اعتنایی می‌کند و در نتیجه نه تنها ساده زیستی و قناعت دارد که از رفاه‌طلبی، طمع، تحمل و لذت گرایی گریزان می‌شود و اصلاحات او همراه با عدالت اجتماعی و دوری از ظلم و گناه می‌گردد. و لذا انبیاء که سر آمد مصلحان راستین اند، هم زاهد بودند و به فرموده علی علیه‌السلام پیامبر صلی الله علیه و آله برترین زاهدان و حضرتش در دوری از دنیا به او تاسی نموده، می‌فرماید:

«به خدا سوگند که این دنیا شما در دیده من از استخوان خوکی در دست شخص مبتلا به جذام پست‌تر

است.)) - و الله لذنيا کم هذه اهون في عيني من عراق خنزير في يد مجزوم / حکمت 236 2

و در مورد ترغیب به زهد می‌فرماید:

«خوشا به حال آنان که از دنیا (مظاهر مادی و لذت‌های زودگذر و فریبنده) دل بریدند و به آخرت رغبت و

دلبستگی پیدا کردند.» - طوبی للزاهدين في الدنيا الراغبين في الآخرة / حکمت 104 2

و در تبیین معنا و آثار زهد می‌فرماید:

«ای مردم زهد عبارت است از کوتاه کردن آرزو، سپاس‌گزاری در برابر نعمت و پارسایی نسبت به محرمات

و ناپیوستنی‌ها.» - ایها الناس الزهاده قصر الامل و الشکر عند النعم و التورع عند المحارم. / خطبه 81 2

«و کسی که در دنیا زاهد باشد، مصیبت‌ها را ناچیز شمرد و گرفتاریها بر او سبک نماید.» - و من زهد فی

الدنيا استهان بالمصیبات / حکمت 30 2

متأسفانه اصلاح طلبان دروغین نه تنها در صدر اسلام (همانند بنی امیه و بنی عباس) حتی امامان معصوم و مصلحان راستنی امت را با تبلیغات گسترده، منزوی کردند، بلکه در مشروطیت و عصر حاضر نیز همان نوع اصلاحات وارداتی و اصلاح طلبان مورد حمایت دشمنان و رسانه‌های خبری استکبار جهانی به چشم می‌خورند، آنه که نفی ارزشهای اسلامی و انقلابی و محورهای وحدت و اصیل نظام (قانون اساسی، ولایت فقیه و مدیریت دینی و...) را هدف قرار داده‌اند و با نقاب شعارهای فریبنده، جامعه و جوانان را به سوی لیبرالیسم، سکولاریزم و نظام لائیک سوق می‌دهند. با آنکه اصلاح طلبان واقعی پیش از همه و بیش از دیگران، خود اهل عمل صالح اند، امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«هر آن کسی که مردم را (به هر کار و حرکت اصلاحی) دعوت کند و فراخواند ولی خود عمل ننماید،

همانند تیر اندرز بدون کمان است.» - الداعی بلا عمل کالرامی بلاوتر. / حکمت 337 2

و در ضمن خطابه‌ای می‌فرماید:

«کجایند خوبان و صالحان شما، کجایند آزاد مردان و سخاوتمندان شما... مفسد (فردی و اجتماعی) آشکار و فراگیر شده، نه انکار کننده و تغییر دهنده‌ای دیده می‌شود و نه بازدارنده‌ای، عمل کننده پیدا می‌شود... نفرین خدا بر آنان خدا بر آنان باد که امر به معروف (و خوبها و اصلاحات) می‌کنند و خود آنرا ترک می‌نمایند، نهی از منکر و فساد می‌کنند و خود مرتکب می‌شوند.» - این خیارکم و صلحانکم این احرارکم و

سمحاء کم... ظهر الفساد فلامنکر مغیر و لاجر مزد جر... لعن الله الامرين بالمعروف، التارکين له و الناهين عن المنکر العالمين به. /

خطبه 129 2

اسوه اصلاحات

الگو خواهی و الگوپذیری انسان و نقش آن در رشد و تکامل فرد و جامعه، غیر قابل تردید است و در امر اصلاح طلبی و طرح و تحقق اصلاحات وجود مدل و اسوه صالحان، يك ضرورت به شمار می‌رود، تا کار با آگاهی آغاز و راه نزدیکتر شود و همچنین در مواجهه با مشکلات، حرکت متوقف نگردد و یا الگوهای وارداتی، امت را به انحراف نکشاند. بر این اساس است که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«به راستی که پیروی از روش پیامبر و اسوه قرار دادن او برای شما کافی است... پس از پیامبر نیکوتر و برتر پیروی کن زیرا راه و رسم او اسوه می‌باشد (در همه زمینه‌های زندگی) برای آنکه به او تاسی کند. و

محبوبترین بندگان خدا کسی است که از پیامبرش تبعیت نماید.» - و لقد کان فی رسول الله صلی الله علیه و

آله کاف لک فی الاسوة... فانس بنیک الطیب الاطهر فان فيه اسوة لمن تاسی و عزا لمن تعزی... و احب العباد الی الله المتاسی

بنیه. / خطبه 160 2

و در جای دیگر می‌فرماید:

«به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله (امامان معصوم و مصلحان واقعی انسانها) بنگرید و پیوسته

ملازم آنان باشید از جهتی که می‌روند منحرف نشوید و قدم جای قدمشان بگذارید، چرا که آنان هرگز

شما را از راه هدایت و تکامل منحرف نمی‌کنند و بیرون نمی‌برند.» - انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم و اتبعوا

اثر هم فلن یخرجوکم من هدی. / خطبه 97 2

و در بیانی اتمام حجت نموده، می‌فرماید:

«خدایا هر يك از پندگانت که سخن و برنامه عادلانه و اصلاح طالبانه دور از فساد ما را نسبت به دین و دنیا بشنود و از یاری آیین تو و دین تو سرباز زند ما تو را بر ضد او به شهادت می‌طلبیم... و او را به کیفر گناهانش خواهی گرفت.» - اللهم ایما عبد من عبادك سمع مقاتلتا العادله... و المصلحة غیر المفسده فی الدین و الدنیا فابی

بعد ما سمعه... / خطبه 212 2

در خاتمه با اطمینان هر چه بیشتر باید گفت کدامین اصلاح طلب و کدامین طرح اصلاحی جامع‌تر و موفق‌تر در اجرای عدالت، امنیت و معنویت و رفع محرومیتها، از الگوی حکومتی امام علی علیه‌السلام بوده و هست؟!

او که بر بخش وسیعی از کره خاکی نظام اصلاحی اسلام را پیاده کرد و به نمایشگاه تاریخ آورد، در نامه‌ای به یکی از کار گزاران بزرگ حکومتی اش می‌نویسد: «آگاه باش! هر ماموم و رهروی را پیشوا و رهبری است که باید به او اقتدا کند و از زانو نور دانش او (گفتار و رفتار و سیره‌اش) بهره گیرد، بدان، امام شما از دنیایش به این دو جامعه و از غذاها به این دو قرص نان اکتفا کرده.

آگاه باش! شما توانایی این گونه زیستن را ندارید و لیکن مرا با ورع و خدا پرستی، * در همه زمینه‌های زندگی و برنامه‌های علمی و جامع) و پاکی و پیمودن راه صحیح و درستکاری یاری دهید... آیا به همین اکتفا و قناعت کنم که گفته شود، من امیر مومنانم اما با آنان در سختی‌های روزگار شرکت نکنم و پیشوا و اسوه شان در تلخی‌های زندگی نباشم؟...» - الا و ان لكل ماموم اماما یقتدی به ویستضیء بنور علمه الا و ان امامکم

قد اکتفی من دنیاہ بطمریہ و من طعمہ بقصریہ الا و انکم لا تقدرون علی ذلك و لکن اعنونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد... ء اقع من

نفسی بلت یقال هذا امیر المومنین و لا اشارکهم فی مکاره الدهر او اکون اسوة لهم فی حبسوبة العیش... / نامه 45 2

کجای تاریخ بشر می‌توان اسوه مقتدای صالح و عدل محور همچون حضرت علی علیه‌السلام یافت که بگوید:

«بر شهرهای شما وارد شدم (ریاست و حکومت را در دست گرفتم) با این پوشاک و لباس اثاث و مرکب و شتر سواریم پس اگر با غیر اینها و بیش از آنچه با آنها وارد شدم، بیرون روم (در پایان حکومت و عمرم) به حق از خائنان باشم؟...» - دخلت بلادکم باشمالی هذه و رحلتی هاهی فان انا خرجت من بلادکم بغیر ما دخلت فانی من

الخائنین. / بحار الانوار، ج 840 ، ص 325 . 2

و نیز در باره وحدت حرف و عمل که عامل جلب اعتماد مردم و تحقق اصلاحات است می‌فرماید:

«ای مردم به خدا سوگند شما را به اطاعت و انجام کاری تشویق و وادار نمی‌کنم مگر آنکه خود در انجام آن بر شما سیقت می‌گیرم و از انجام گناهی باز نمی‌دارم جز آنکه قبل از شما خودم آن را ترک می‌کنم.»

- ایها الناس انی و الله ما احکم علی طاعة الا و اسبقکم الیها و لا انها کم عن معصية ال و اتناهی قبلکم عنها. / خطبه 175 . 2

حال با تمسک به کلام علی علیه‌السلام در بیان شیوه اصلاحات مصلح کل (آخرین اسوه معصوم امام زمان حضرت مهدی (عج) سخن را به پایان می‌رسانیم:

«او (حضرت مهدی (عج) خواسته‌ها و هواهای نفسانی را تابع هوس‌های خود قرار دهند و هنگامی که قرآن را به رای و نظریه‌های مختلف خود تفسیر کنند آن حضرت آراء و نظریه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.» یعنی به جای کثرت گرابی و قرائت‌های متعدد و آزادی و ولنگاری فکری و رفتاری، بدعت‌ها و تحریف‌ها که در

طول تاریخ، دشمنان و نا - يعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی و يعطف الراي علی القران اذا عطفوا القران

علی الراي. / خطبه 138 . 2 آگاهان وارد اسلام و نظام نمودند، می‌آید و بر خلاف نظر اصلاح طلبان غربی و

لیبرالیست‌ها، که بر اساس اومانیسیم (اصالت انسان) و سکولاریزم (اصالت دنیا و جدایی دین از سیاست) عمل نمودند. او مقررات خدای حکیم را پیاده می‌کند، خدایی که سراسر هستی را بر اساس حکمت و مصلحت آفریده است. و از این رهگذر در نهج البلاغه می‌خوانیم:

«آسمان و زمین، بالا و پستی مامور رساندن منافع شما بوده، اوامر خدا را اطاعت کردند و به آنها دستور

داده شده که برای مصالح شما قیام کنند و چنین کردند.» - و لکن امر تابمنا فعمک فاطاعتنا و اقیمتنا علی حدود

مصالحکم فقامتا. / خطبه 143 . 2

معیار اصلاحات

صلاح و فساد از مفاهیم ارزشی محسوب می‌شود و نمی‌توان با حس تجربه کرد (همانند خوبی و بدی، معروف و منکر) بلکه تابع نظام ارزشی است که رد یا گروه و جوامع برای - مفاهیمی که به کار می‌بریم گاه در باره

چیزهایی است که هست و موجود می‌باشد و با تجربه عینی می‌توان حس کرد و نشان داد، مانند هوا گرم است یا آنجا روشن است و

گاه درباره چیزهایی است که می‌گوییم باید چنین شود یا نباید چنان شود یعنی در بطن معنای آنها باید و نباید می‌باشد. اینها را

مفاهیم ارزشی می‌گویند مانند صلاح و فساد، خیر و شر، معروف و منکر و... (از کتاب آذرخشی دیگر از آسمان کربلا). 2 خود

پذیرفته‌اند (لذا گاه يك نوع احترام در نظامی ارزشی، خوب و زیباست ولی در نظام دیگر زشت و ناپسند می‌باشد) حال این سئوال پیش می‌آید که اصلاحات طبق کدام نظام ارزشی و فرهنگی و بر اساس کدام معیار، اسلامی یا الحادی (شرقی یا غربی)؟

اگر گفتمی صالحات بر اساس معیار اسلامی خوب است، پس باید آنچه اسلام می‌گوید، انجام دهیم و با هر چه می‌گوید بد است مبارزه کنیم، بر عکس اگر اصلاحات غربی و کنوانسیون‌های کذایی بین المللی و غیره را پذیرفتیم، خوبی و بدی کارها تابع همان نظام ارزشی می‌شود، هر چند مخالف اسلام باشد! مانند آزادی‌های جنسی و... و شاید یکی از علل توصیه مقام رهبری (حضرت آیه الله خامنه‌ای مدظله العالی) بر ضرورت هدایت اصلاحات از مرکزی مقتدر، مساله تطبیق آن با معیارهای مکتبی و قانونی بوده است (یعنی علاوه بر کارشناسی و تحقیق و اولویت بندی و نظارت بر حسن اجرای تدریجی آن) نه تنها در نهج البلاغه شاهد الگو و اسوه بودیم (سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمومنان علیه السلام حکومتش) بلکه در زیارت مطلقه آن حضرت می‌خوانیم (السلام علی میزان الاعمال) یعنی معیار سنجش اعمال و رفتار فردی و اجتماعی همگان در - بخار الانوار، ج 100 ص 330 . 2 همه زمان‌ها و زمینه‌ها، حضرت علی علیه السلام می‌باشد. و در کلامی دیگر از آن حضرت معیار اصلاحات، این گونه نقل شده است:

«آگاه باشید من نه پیامبرم و نه به من وحی می‌شود بلکه تا آنجا که می‌توانم طبق دستورات قرآن عمل می‌کنم، پس آنچه از اوامر الهی را دستور می‌دهم بر شما که اطاعت کنید چه بیسندید و چه نپسندید و اگر اوامر من یا هر کس (در هر موقعیت و زمان) بر نافرمانی و معصیت خدا باشد، پس بدانید اطاعت از حاکم و غیره، شامل معصیت الهی نمی‌شود. اطاعت فقط در موارد اعمال صالح و فرمانبرداری از خداست و سه بار این جمله را تکرار فرمود.» - الا و انی لست نبیا و لا یوحی الی ولکنی اعمل بکتاب ما استطعت. فما امرتکم به من

طاعة الله فحق علیکم اطاعتی فیما احبتم و فیما کرهتم و ما امرتکم به او غیرى من معصية الله فلاطاعة فی المعصية، الطاعة فی

المعروف، ثلاثاً)) بخار الانوار، ج 34 ، ص 362 . 2

در اینجا به خوبی می‌رساند که معیار نه پسند و خواست مردم و اکثریت است و نه فرمان حاکم و نه سیاستهای بین المللی، بلکه ملاک الهی بودن کار و راه، اطاعت از دستورات خداوند می‌باشد. یعنی در حکومت اسلامی و سیره سیاسی علوی با آنکه مردم در انتخاب و شکل‌گیری حکومت، اصلاحات و تدویر آن، نقش اساسی دارند و امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«به خدا سوگند... اگر این جمعیت عظیم دورم را نگرفته بود و به یاریم قیام نکرده بودند و از این جهت حجت تمام نشده بود و اگر نبود پیمان و مسئولیتی که خداوند از عالمان گرفته که در برابر شکمخوارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها می‌کردم و از آن صرف نظر می‌نمودم.» - اما و الذی فلق الحبه و برء النسمة لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر... / خطبه 3 . 2

لیکن در صورت تزاحم رضایت و خواست مردم با احکام خدا قطعا دستورات الهی و حلال و حرام او تقدم دارد برخواست مردم و اکثریت (مثلا آزادی جنسی، نوشیدن مشروبات الکلی و...) زیرا در همان حکم خدا خیر و صلاح واقعی است همانگونه که در صورت تضاد بین خواست مردم با اصول بهداشتی و پزشکی یا مقررات راهنمایی رانندگی و غیره شما حکم به تقدم و اولویت اجراء آنها بر خواست مردم می‌کنید! و در اینجا همه پرسشی یا رای مردم بی رنگ و معنا می‌شود.

و از همین رهگذر، در سیره امام علی علیه السلام غیر از نظارت خود بر کارگزاران مناطق، مردم را به عناوین ناظر بر عملکرد حاکمان نموده، به آنان معیار و ملاک (اجراء دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله) می‌داد تا تخلف حاکمان را گزارش دهند و اطاعت آنها را نکنند، و این نه فقط اهتمام به امور ملت و کشور و احترام به انسانهاست بلکه قانون‌گرایی و نگرشهایی از ارزشهای والای الهی و انسانی را می‌رساند. و لذا می‌بینیم بعد از جنگ جمل، وقتی ((ابن عباس)) را حاکم بصره نمود، می‌فرماید: «ای گروه مردمان! من عبدالله بن عباس را به عنوان جانشین خودم قرار دادم، سخن او را بشنوید و فرمان

او را تا هنگامی که از دستورات خدا و رسول اطاعت می‌کند، پیروی کنید و اگر در میان شما بدعتی پدید آورد از راه حق منحرف شد (بخاطر تمایلات نفسانی، شخصی یا حزبی و جناحی) مرا مطلع سازید، او را عزل خواهم کرد...)) - یا معاشر الناس قد استخلفت علیکم عبدالله بن عباس فاسمعوا له و اطیعوا امره ما اطاع الله و رسوله

فان احثت فیکم او زاغ عن الحق فاعلمونی اعزله عنکم. جمل، شیخ مفید، / ص 420 . 2

و نیز در خطبه قاصعه صریحا از اطاعت روسا و بزرگانی که دچار غرور حکومت و خود خواهی گشته و ملاک‌های ارزشی را فراموش کرده‌اند، نهی نموده، می‌فرماید:
(زنهار، زنهار، از پیروی و اطاعت بزرگترها و روسایان (همانند طلحه و زبیرها) بر خذر باشید، همانها که بخاطر موقعیت خود تکبر می‌ورزند و به نسب و نژاد خود می‌نازد و کارهای نادرست را به خدا نسبت می‌دهند (به اسم قرائت‌های مختلف از دین و در جهت خواست شیاطین یا خوشایند جمعی هوسران و...) آنها که پایه‌های عصیت جاهلی و ستون‌های فتنه و فساد و نفاق هستند... آنها پایه‌های گناهانند و ابلیس (شیطان بزرگ) آنها را مرکب‌های راهوار گمراهی قرار داده و سپاهی که بوسیله آنها بر مردم غلبه یابد و...)) - الا فالحذر الحذر من طاعة ساداتکم و کبرانکم الذین تکبروا عن حیسهم و ترفعوا فوق نسبهم... / خطبه 192 . 2

و بعد می‌فرماید از ملت‌های گذشته عبرت بگیرید!
و همچنین در پایان منشور حکومتی خود به ((مالک اشتر)) می‌نویسد:
(بر تو واجب است که همواره به یاد حکومت‌های عادلانه قبل از خود باشی. همچنین توجه خود را به روش‌های خوب یا اثر و سیره‌ای که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده یا فرضیه‌ای که در کتاب خداست معطوف دار، و به خطوط حکومت در روش من مشاهده کرده‌ای اقتدا کن...)) - و الواجب علیک ان تتذکر ما مضی

لمن تقدمک من حکومت عادلہ او سنة فاصلة او اثر عن نبینا صلی الله علیه و آله... / نامه 53 . 2

بنا بر آنچه گذشت، میدان مانور برنامه‌های اصلاحی محدود به حفظ اصول و ارزشهای اسلامی می‌گردد، و اما بحث ضرورتها و عناوین ثانویه و صدور احکام موقت توسط مرجع و ولی فقیه واجد شرائط خود از احکام و معارف دینی در رفع بن بست‌ها می‌باشد که در مقام مناسب باید بررسی شود
اما در شرائطی که ابرهای شبهه و تردید و تحریف فراگیر است و از افراد (شخصیتها با سابقه) و الفاظ (آزادی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، اصلاحات و...) سوء استفاده می‌شود، و افق حقایق در توطئه و تزویرها تیره شده، حق و باطل مشتبه، و زمان فتنه و نفاق است بگونه‌ای که جمعی از خوبان هم به فرموده امام علی علیه‌السلام ((عبادت کنندگان بی صلاحیت و حاضران غایب از صحنه و ناظران نابینا)) گشته‌اند، آری در چنین زمان، باید سراغ ولی امر و رهبری امت رفت و حرفها و حرکت‌ها را با تدابیر او تنظیم - مالی اراکم ناساکا بلا صلاح و شهودا غیبا و ناظره عمیاء و... / خطبه 108 . 2 کرد (که امری است منطقی،

اطمینان بخش و برای فردا حجت). در این رابطه علی بن ابی طالب علیه‌السلام می‌فرماید:
(مبادا امام و رهبر خود را تنها گذارید که در آینده خود را سرزنش می‌کنید... و از راهی که به سوی فتنه‌ها کشیده می‌شوید دوری کنید... - فلا تصدعوا علی سلطانکم فتمواعب فعالکم... و خلوا قصد السبیل لها، / خطبه 187 . 2

و در جای دیگر از کتاب نهج البلاغه می‌فرماید:
(پس به سوی امیر و فرمانده خود بشتابید و در جهاد و پیکار (مبارزه فرهنگی، نظامی و...) با دشمن سبقت بگیرید...)) - فاسر عوا الی امیرکم و بادروا جهاد عدوکم، نامه 1 . 2

و در بیانی دیگر با صراحت می‌فرماید:
(هر گاه آتش جنگ سخت شعله ور می‌شد (مبارزه شدت می‌یافت) به پیامبر صلی الله علیه و آله (رهبری و فرمانده کل) پناهنده می‌شدیم)) - کنا اذا احمر الباس اتقینا برسول الله صلی الله علیه و آله. غریب کلامه

صلی الله علیه و آله /، 9 2

و شاید کنایه باشد از اینکه در شداید زمان باید به رهبر صالح جامعه پناه برد. و نیز در نامه خود به عثمان بن حنیف (کارگزار و حاکم بصره) می‌نویسد: ((آگاه باش هر مامومی را امام و پیشوایی است و هر رهروی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش او بهره گیرد...)) - الا و ان لکل ماموم امام یقتدی به و یستضیء بنور

علمه... / نامه 45 . 2 امید آنکه همگان رهرو راهش و مشمول شفاعتش باشیم.